

## بررسی بازگشت بنی اسرائیل به مصر پس از عبور از دریا از منظر مفسران قرآن کریم

حسین نقوی\*

### چکیده

مشهور است که بنی اسرائیل از دریا عبور کردند و فرعون و لشگریانش که در تعقیب آنان بودند، غرق شدند و آنان پس از عبور از دریا به سمت سرزمین مقدس فلسطین رفتند و پس از سرپیچی از فرمان خدا در مورد ورود به آن سرزمین، چهل سال در بیابان سرگردان شدند. این نوشتار با مراجعه به آیات و تفاسیر قرآن و تحلیل و بررسی دیدگاه مفسران در صدد است، نشان دهد که بنی اسرائیل پس از عبور از دریا به مصر بازگشتهند و مدتی در آنجا سکونت کردند و پس از آن به سمت سرزمین مقدس کوچ نمودند. نه شاهد قرآنی - که مهمترین آنها وارث شدن بنی اسرائیل نسبت به اموال فرعونیان مصر و استخلاف و جانشینی بنی اسرائیل به جای فرعونیان است - برای تقویت این احتمال ارائه شده است و در پایان به این نتیجه رسیده است که بنی اسرائیل پس از عبور از دریا به مصر بازگشته‌اند.

### واژگان کلیدی

تفسیر تاریخی، بنی اسرائیل، موسی علیه السلام، فرعون، مصر، فلسطین.

naqavi@iki.ac.ir  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۳

\* استادیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۰

## مقدمه

داستان زندگی پرفراز و نشیب موسی<ص> را می‌توان به چهار دوره ولادت و کودکی و پرورش او در کاخ فرعون؛ دوره هجرت او از مصر به مدین و زندگی او در کنار حضرت شعیب<ص>؛ دوره نبوت و پیامبری و بازگشت او به مصر برای مبارزه با فرعون و دوران هلاکت فرعون و حوادث پس از آن تقسیم کرد. درباره دوره چهارم در کتاب مقدس یهودیان تعبیر خروج عظیم (خروج ۱۲: ۴۱) و کوچ قوم اسرائیل (اعداد ۳۳) و عصيان قوم در ورود به سرزمین مقدس (شنیه ۱: ۲۶) و سرگردانی در بیابان (شنیه ۲) نشان از این دارد که بنی اسرائیل از مصر خارج شده و به سمت سرزمین مقدس رفته و فرمان خدا درباره ورود به آن سرزمین را تخلف کردن و مبتلا به سرگردانی شدند. در تاریخ یهودی نیز آمده است که بنی اسرائیل پس از اینکه خداوند آنان را از دریا عبور داد و فرعونیان را غرق کرد، به سمت سرزمین مقدس حرکت کردن و پس از سرپیچی از دستور خدا از ورود به آن سرزمین چهل سال در بیابان سرگردان شدند. (اپستاین، ۱۳۸۵: ۳۱) مسلمانان نیز از آیات و روایات همین مطلب را برداشت کرده‌اند (روحی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) اما از ظاهر برخی از آیات چنین می‌توان استفاده کرد که بنی اسرائیل پس از عبور از دریا به مصر بازگشته‌اند.

این نوشتار در صدد است شواهد قرآنی بازگشت بنی اسرائیل به مصر و وارث مال و سرزمین فرعونیان شدن و اقامت چند ساله در آن را از منظر قرآن کریم بیان کند. این کار افزون بر ضرورت علمی، ضرورت کاربردی نیز دارد. نشان دادن مصدق و مهیمن بودن قرآن نسبت به تورات و تصحیح داستان قرآنی در کتاب‌ها، فیلم و سریال‌های مربوط به داستان حضرت موسی<ص> و ارائه الگوی صحیح از مدیریت بحران حضرت موسی<ص> را می‌توان از اهداف و ضرورت‌های کاربردی این نوشتار بیان کرد.

## بررسی اختلاف دیدگاه مفسران در این زمینه

در میان مفسران شیعی و سنی در این زمینه اختلاف دیده می‌شود. در میان مفسران شیعی، شیخ طوسی از قول قتاده به عنوان یک احتمال بیان می‌کند که بنی اسرائیل بعد از غرق شدن فرعون به مصر بازگشته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۲۳۲) کاشانی در تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین در ذیل آیه ۹۳ یونس، مصر را به عنوان یک احتمال بیان می‌کند که بنی اسرائیل در آن سکنی گزیدند. (کاشانی، ۱۳۰۰: ۴ / ۴۰۳) در مجمع‌البيان ذیل آیه ۵۹ سوره شعراء «کَذِلَكَ وَأُولَئِنَا هَا يَنِي إِسْرَائِيلَ»

بیان شده است که خدا بنی اسرائیل را به مصر بازگرداند و آنان را مالک ثروت فرعونیان قرار داد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۹۰۰؛ ۹۷: ۷) تفسیر نمونه نیز بیان می‌کند که با توجه به آیه «کَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ»، (دخان / ۲۸) و آیه «كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (شعراء / ۵۹) روشن می‌شود که بنی اسرائیل بعد از غرق فرعونیان به سرزمین مصر بازگشتند و وارث میراث فراعنه شدند و در آنجا حکومت کردند. اما این سخن با آنچه در آیات قرآن آمده است که بنی اسرائیل بعد از نجات از چنگال فرعونیان به سوی سرزمین موعود حرکت کردند منافات ندارد، ممکن است گروهی از آنان در سرزمین مصر که به دست آنان افتاده بود، به عنوان نمایندگانی از سوی حضرت موسی ﷺ اقامت کرده باشند و گروه بیشتری راهی دیار فلسطین شده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱ / ۱۷۸) بنابراین از دو حال خارج نیست یا بنی اسرائیل همگی به مصر بازگشتند و حکومتی را تشکیل دادند یا جمعی از آنها به فرمان موسی ﷺ در آنجا ماندند و این برنامه را اجرا کردند، در غیر این صورت بیرون راندن فرعونیان و وارث ساختن بنی اسرائیل که در آیات آمده مفهوم روشنی نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۲۳۸ - ۲۴۰)

اما صاحب تفسیر *المیزان* در ذیل آیه «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَظْعَفُونَ مَشَارقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ...»، (اعراف / ۱۳۷) بیان می‌کند که مراد از سرزمینی که بنی اسرائیل به ارث برد، شام و فلسطین است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸ / ۲۲۸) ایشان در ذیل آیه ۵۹ شعراء فقط بیان می‌کند که فرعونیان هلاک شدند و بنی اسرائیل باقی ماندند و این یعنی وارث آنان شدند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۷۷) علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۸ دخان نیز فقط بیان می‌کند که معنا روشن است و هیچ اشاره‌ای به کیفیت وارث شدن نمی‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸ / ۱۴۰) آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر *تسنیم* در ذیل آیه ۹۳ سوره یونس، با نفی بازگشت بنی اسرائیل به مصر در ادامه چنین بیان می‌کند که برخی شواهد نقلی دلالت دارد بر اینکه بنی اسرائیل وارث مساکن آل فرعون شدند. او برای تضییف این شواهد عدم امکان عبور مجدد آنان از دریا را مطرح می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۷ / ۳۱۷) ایشان در جایی دیگر بیان کرده است که اثبات بازگشت قوم موسی ﷺ در زمان حیات موسی ﷺ به مصر آسان نیست و روایات در این زمینه هم بر فرض صحّت سند، ظّی هستند و علم آور نیستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۰ / ۱۳۸) بنابراین روشن می‌شود که علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی قائل به بازگشت بنی اسرائیل به مصر نیستند.

این اختلاف در میان مفسران اهل سنت نیز دیده می‌شود. قرطسبی بیان می‌کند که بنی اسرائیل به

مصر بازگشتند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸ / ۱۰۵؛ ۳۸۱: ۱۳) آلوسی بیان می‌کند که سه احتمال درباره بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر می‌توان فرض کرد؛ یکی اینکه خدا بنی‌اسرائیل را به مصر بازگرداند و آنان را وارث مال و سرزمین فرعونیان کرد. دوم اینکه برخی از بنی‌اسرائیل به مصر آمده و وارث اموال فرعونیان شدند و باقی با موسی <sup>عليه السلام</sup> به سمت سرزمین شام رفتند. سوم اینکه پس از عبور از دریا به سمت شام رفتند و در زمان سلیمان <sup>عليه السلام</sup> مصر را تصاحب کردند. آلوسی قول دوم و سوم را با تعبیر قیل آورده است. در پایان بیان کرده که در تورات آمده است که بعد از عبور از دریا بنی‌اسرائیل به سمت شام رفتند و اکثر تواریخ نیز بر همین امر تأکید کرده‌اند ولی ظاهر بسیاری از آیات اقتضای قول اول را دارد؛ یعنی آلوسی قول اول را ترجیح داده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۸۳) در برخی کتب تفسیری ذیل آیه ۹۳ سوره یونس، به عنوان یک احتمال قول به اینکه مصر افرون بر شام جایی بوده که منزلگاه بنی‌اسرائیل شده، آمده است. (برای نمونه ر. ک به: طبری، ۱۴۱۲: ۱۱ / ۱۱۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۳ / ۴۰۹؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۴۳۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۲۹۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۲۳؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۲ / ۳۵۱؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹: ۱ / ۴۷۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۶۲؛ محلی، ۱۴۱۶: ۲۲۲؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۲ / ۱۸۶؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۴ / ۱۷۴) ولی ابوعطیه، قول بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر را ضعیف شمرده است و دلیل آن را این بیان کرده است که چنین روایتی در تاریخ وجود ندارد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵ / ۷۳)

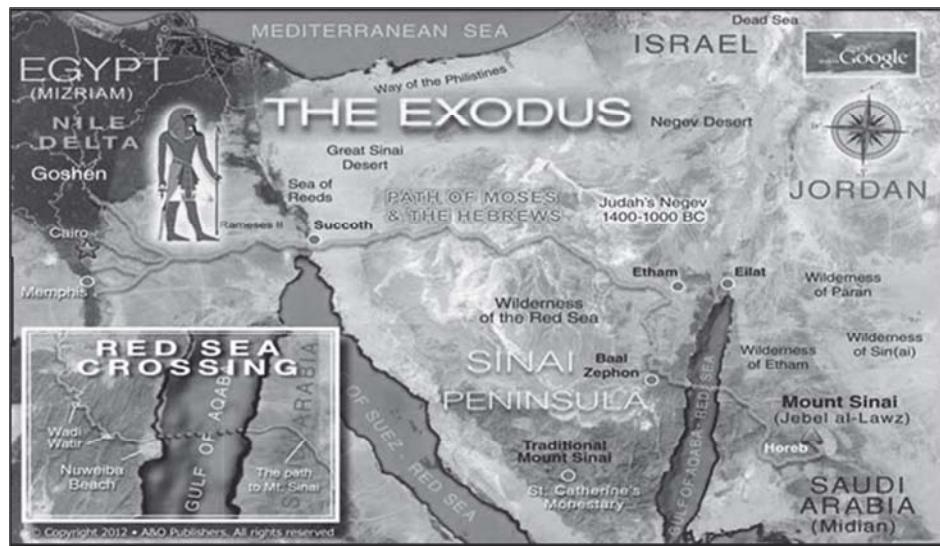
با توجه به مطالبی که بیان شد مشهور بودن این دیدگاه که بنی‌اسرائیل پس از عبور از دریا به سمت سرزمین مقدس رفتند، از دیدگاه یهودیان و مسیحیان و مسلمانان و اینکه قول به بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر طرفداران چندانی ندارد، روشن شد. نگارنده با جستجویی که انجام داده، بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر در هیچ کتاب تاریخی اسلامی و غیراسلامی مطرح نشده است؛ یعنی اگر این قول در برخی کتب تفسیری مطرح شده است اما هیچ تأثیری بر کتب تاریخی در این زمینه نداشته است. بهنظر می‌رسد دلیل این امر نفوذ اسرائیلیات در داستان‌های پیامبران است. ذهن مفسران از ابتدا با روایت کتاب مقدسی شکل گرفته است و این ذهنیت، اجازه نمی‌دهد که تصویر دیگری از داستان به ذهن بیاید، به عنوان مثال ابن عطیه دلیل عدم پذیرش این قول را عدم وجود آن در تاریخ مطرح می‌کند.

### محل عبور بنی‌اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعونیان

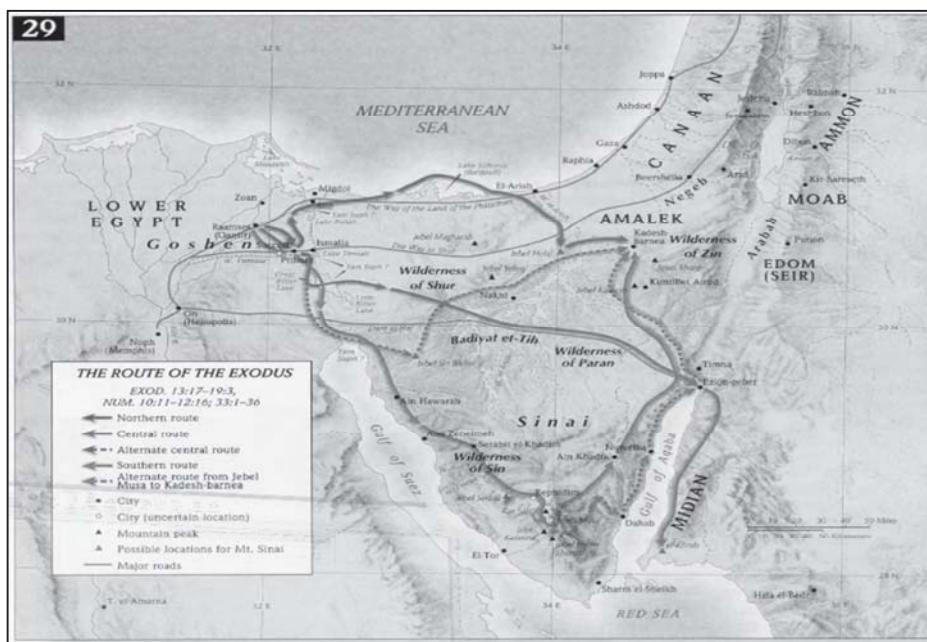
در مورد محل عبور بنی‌اسرائیل دو قول وجود دارد. یکی عبور از دریا که یهودیان و مسیحیان و

برخی از مسلمانان بر این باور هستند و دیگری عبور آنان از رود نیل است که برخی از مسلمانان به آن قائل هستند. در مقاله «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق» دیدگاه‌های مختلف از جمله رود نیل، دریای سرخ، بحر سوف و ... بررسی شده و با شواهد باستان‌شناسی اثبات شده است که محل عبور بنی اسرائیل از خلیج عقبه بوده است که محل آن در تصویر ذیل آورده شده است. (ر. ک به: طباطبایی امین و احمدیان،

(۱۳۹۳: ۱۰۹ - ۱۳۶)



پیش از این تصویر که تحقیقات جدید آن را ارائه کرده است، تصویر کتاب مقدسی که در ادامه آمده است، سه مسیر برای خروج بنی اسرائیل از مصر به تصویر کشیده است که یکی شمالی، یکی میانی و دیگری جنوبی است که نکته جالب توجه این است که هر سه، عبور از دریا را مطرح می‌کنند با این تفاوت که مسیر شمالی دریای مدیترانه را مطرح کرده است و مسیر میانی که خود دارای دو مسیر است، مسیر اصلی از دریاچه‌ای است که در منطقه میانی دریای مدیترانه و خلیج سوئز قرار دارد و مسیر جایگزین از قسمت فوقانی خلیج سوئز است. مسیر جنوبی هم از دریاچه مذکور و هم از قسمت فوقانی خلیج سوئز است. تنها مسیر میانی اصلی نشان می‌دهد که بنی اسرائیل به مدین آمده‌اند که با تحقیقات جدید که نشان می‌دهد از خلیج عقبه گذشته‌اند و به مدین رسیدند از این جهت اتفاق نظر وجود دارد اما هیچ‌کدام از مسیرهای کتاب مقدسی عبور از خلیج عقبه را نشان نمی‌دهد.



رفت و آمد از کنعان به مصر یا از منطقه حجاز به مصر مرسوم بوده است. در کتاب مقدس اشاره شده است که ابراهیم علیه السلام به مصر رفته است (پیدایش ۱۰:۱۲) و یوسف علیه السلام را نیز کاروانی با خود به مصر برده است (پیدایش ۳۷:۲۹) و برادران یوسف علیه السلام نیز این مسیر را چندین بار رفتند که قرآن نیز در سوره یوسف به این موارد اشاره کرده است. بنابراین مسیر مشخصی میان مصر و کنعان بوده است. در سفر خروج نیز بیان شده است که موسی علیه السلام پس از کشتن یک مصری، از مصر فرار کرده و در مدین ساکن شد و سال‌ها بعد همین مسیر را بازگشت. قرآن نیز به همین حادثه اشاره کرده است. سوالی در اینجا مطرح است که چرا بنی اسرائیل به سمت خلیج عقبه آمدند با وجودی که راه رفتن به کنunan مشخص بود. موسی علیه السلام نیز در جوانی از مصر تا مدین را رفته بود و با خانواده همین راه را بازگشته بود و آشنا به مسیر بود. افزون بر این، باور ما این است که حضرت موسی علیه السلام با کمک خدا مسیر را پیش می‌رفت به این دلیل که فرمود: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّيْ سَيَّهَدِينِ». (شعراء / ۶۲) بنابراین اینکه آنان به سمت دریا آمدند به هدف کشاندن فرعونیان به آنجا و غرق کردن آنان بوده است که در ادامه شواهد آن بیان خواهد شد.

### شواهد قرآنی بازگشت بنی اسرائیل به مصر

با توجه به مطالب بیان شده، مشخص شد که محل عبور بنی اسرائیل از خلیج عقبه بوده و فرعونیان در آن غرق شدند. بحث دیگری که مطرح است و یهودیان و مسیحیان به آن قائل نیستند، بازگشت

بنی اسرائیل به مصر پس از غرق شدن فرعونیان است ولی برخی از مسلمانان با توجه به ظاهر برخی از آیات قرآن قائل به بازگشت بنی اسرائیل به مصر هستند. برای اثبات این ادعا ابتدا به رسالت حضرت موسی ﷺ توجه خواهد شد و پس از آن شواهد قرآنی آن بیان خواهد شد.

رسالت حضرت موسی ﷺ این بود که بنی اسرائیل را به کنعان بازگرداند. این رسالت به صراحت در قرآن بیان شده است. در آیات «... فَارْسِلْ مَعِيَ بَنَى إِسْرَائِيلَ»، (اعراف / ۱۰۵) و «... فَارْسِلْ مَعَنَا بَنَى إِسْرَائِيلَ»، (طه / ۴۷) و «أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنَى إِسْرَائِيلَ»، (شعراء / ۱۷) یکی از مهم‌ترین اهداف موسی ﷺ و برادرش هارون ﷺ نجات بنی اسرائیل و بردن آنان به کنunan معرفی می‌شود.

آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه، همراه کردن فرعون بود. اگر او موسی ﷺ را تصدیق می‌کرد به راحتی می‌توانست بنی اسرائیل را به سمت کنunan بازگرداند. به همین دلیل موسی ﷺ و برادرش نخست مأمور می‌شوند که فرعون را با گفتار نرم به همراهی دعوت کنند و برای رسیدن به این هدف با عصا و ید بیضا به سمت او می‌روند. فرعون پس از شکست در داستان مبارزه ساحران با موسی ﷺ تسليم نمی‌شود. در این مقطع مبارزه وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود و آن فرستادن عذاب‌های دنیوی شامل خشکسالی و کمبود محصول، طوفان، ملخ، شپش، وزغ و خون است. پس از نازل شدن هر کدام از این عذاب‌ها فرعون پیمان می‌بست که اگر این عذاب برداشته شود ما تو را تصدیق کرده و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد. «... لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَ الرِّجْرَ لِتُؤْمِنَ لَكَ وَلَئِنْ سِلَنَ مَعَكَ بَنَى إِسْرَائِيلَ»، (اعراف / ۱۳۴) مترجمان به اشتباہ «لِتُؤْمِنَ لَكَ» را ایمان آوردن ترجمه کرده‌اند درحالی‌که واژه ایمان اگر با «باء» متعدد شود به معنای ایمان آوردن است ولی اگر با «لام» متعدد شود به معنای تصدیق کردن است کما اینکه در آیه «...يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ...»، (توبه / ۶۱) این دو در کنار هم آمده است که اولی به معنای ایمان به خدا و دومی به معنای تصدیق مؤمنان است ولی در هر مورد که عذاب برداشته می‌شد، فرعونیان نقض پیمان می‌کردند (اعراف / ۱۳۵) تا اینکه مرحله سوم شروع و تنها یک راه باقی ماند و آن از بین بردن فرعونیان بود. به تعبیر قرآن بعد از نقض عهد، ما از آنان انتقام گرفتیم. «فَإِنَّقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرِقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»، (اعراف / ۱۳۶) یا این تعبیر که هنگامی که خشم ما را برانگیختند از آنان انتقام گرفته و همگی آنان را غرق کردیم. «فَلَمَّا آسَفُونَا اِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرِقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ»، (زخرف / ۵۵) برای این کار موسی ﷺ و یاران اندکش توان جنگ با فرعونیان نداشتند، لذا موسی ﷺ مأمور شد که بنی اسرائیل را به سمت دریا ببرد و وقتی فرعونیان از پشت سر به آنان رسیدند دریا شکافته شود و آنان نیز در تعقیب بنی اسرائیل وارد دریا شده و به دستور

الهی در آن غرق شوند. با توجه به مطالبی که بیان شد و با توجه به تعبیر «ما غرق کردیم» روش می‌شود که این نقشه الهی بوده و آخرين راه همین بوده است که پیش از این نیز به آن اشاره شد. در این نقشه لزومی ندارد که تمام بنی‌اسرائیل حضور داشته باشند.

با توجه به آیات «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرْيَةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَى حَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتَنُهُمْ ...»، (یونس / ۸۳) و «إِنَّ هُؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ»، (شعراء / ۵۴) روش می‌شود که کسانی که موسی را همراهی کردند اندک بودند. در آیه نخست واژه «آمن» با حرف «لام» متعدد شده است که معنای آن این است که «هیچ‌کس موسی را تصدیق نکرد مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ بهدلیل ترس از فرعون و سران قوم او که مبادا آنان را شکنجه کنند». ممکن است گفته شود که کمی اعتماد کنندگان به آغاز رسالت موسی ﷺ مرتبط است که طبق آیات قرآن، این ترس تا پیش از عبور نیز بوده است (شعراء / ۸۱) و در همین آیه تعبیر «اصحاب موسی» به جای «قوم موسی» یا «بنی‌اسرائیل» مطرح می‌شود و در ادامه نیز تعبیر «وَأَتْجَبْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ»، (شعراء / ۶۵) قرینه بر این مطلب است که تمام بنی‌اسرائیل همراه موسی نبودند. افزون بر این، با توجه به آیات قرآن بنی‌اسرائیل روحیه لجاجت داشتند، پیامبر کش بودند و از پذیرش تورات سر باز زدن و وقتی پس از نجات از چنگال فرعونیان دستور جنگ آمد از ترس اقدام نکردند (مائده / ۲۱ - ۲۴) که نشان از این دارد که ترس در وجود آنان بوده است.

در مورد آیه دوم، واژه «شِرْذِمَه» طبق تحقیق مصطفوی اشاره به گروه جداشده دارد؛ یعنی به یاران موسی ﷺ اشاره دارد که از بنی‌اسرائیل جدا شده‌اند. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۶ / ۴۰) این تحقیق نشان می‌دهد که طبق این آیه تمام بنی‌اسرائیل با موسی ﷺ نبودند و با قید «قلیلون» نشان می‌دهد که نسبت به بنی‌اسرائیل نیز جمعیت‌شان کم بوده است؛ یعنی اکثر بنی‌اسرائیل در مصر ماندند. پذیرش اینکه با این نیروی کم به جنگ در سرزمین مقدس رفته باشند، دشوار است و عاقلانه‌تر این است که همان گروه مؤمنان و بندگان خدا این کار را انجام دهند و فرعونیان را به دنبال خود آورده تا خدا آنان را در دریا غرق کند. بنابراین به یقین باید موسی ﷺ دوباره به مصر بازگردد تا رسالت خود که بازگردن بنی‌اسرائیل به منطقه کنعان است را به پایان برساند؛ زیرا اکثر بنی‌اسرائیل که به تعبیر قرآن از ترس فرعون به موسی ﷺ اعتماد نداشتند، در مصر باقی مانده بودند. پس از این مقطع خدا بیان می‌کند که ما مشرق و مغرب سرزمین مبارک را برای بنی‌اسرائیل به ارث گذاشتمیم: «وَأَوْرُثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَائِنُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارَبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ...»، (اعراف / ۱۳۷) که می‌توان این نتیجه را گرفت که بنی‌اسرائیل وارث مصر نیز شدند.

قرینه دیگر بر اینکه این طرح و نقشه الهی بوده است، بررسی معجزات نه گانه حضرت موسی ﷺ است. در تفسیر نمونه در بشماری این معجزات شکافتن دریا را جزو آنها ندانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۳۱۱) ولی با توجه به آیه ۱۲ سوره نمل «وَأَدْخِلْ يَدِكَ فِي جَبَّيكَ تَخْرُجْ بِيَضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعَ آيَاتٍ إِلَيْ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ...» که عصا و ید بیضاء را داخل در نه معجزه می‌داند و آنها را در ارتباط به فرعون و قومش بیان می‌کند، ملاکی به دست می‌آید و آن معجزاتی است که در ارتباط با مبارزه با فرعون است. بر این پایه طبق آیات ۱۳۰ و ۱۳۳ سوره اعراف، افزون بر عصا و ید بیضاء، هفت معجزه دیگر معرفی می‌شوند. در آیه ۱۳۰ آمده است که ما فرعونیان را با خشکسالی و کمبود محصول گرفتار کردیم که یک معجزه محسوب می‌شود به این دلیل که کمبود محصول از خشکسالی حاصل می‌شود و در آیه ۱۳۳ نیز پنج بالای طوفان، ملخ، شپش، وزغ و خون را ذکر می‌کند که مجموع معجزات مرتبی با مبارزه با فرعون به هشت معجزه می‌رسد. در آیات بعدی بیان می‌کند که ما از فرعونیان انتقام گرفتیم و آنان را غرق کردیم که با این معجزه تعداد معجزات مرتبی با مبارزه با فرعونیان به نه می‌رسد. بنابراین نه معجزه به این ترتیب هستند: عصا، ید بیضاء، خشکسالی و کمبود محصول، طوفان، ملخ، شپش، وزغ، خون و شکافته شدن دریا.

با توجه به رسالت موسی ﷺ که بازگرداندن بنی اسرائیل به کنعان بوده است و فرض این است که تمام بنی اسرائیل با او همراه نشدن، بنابراین بازگشتن موسی ﷺ و یارانش به مصر قطعی بهنظر می‌رسد که در ادامه شواهد قرآنی این امر بیان خواهد شد.

**شاهد یکم:** وارث شدن بنی اسرائیل نسبت به اموال فرعونیان مصر  
بهنظر می‌رسد مهم‌ترین شاهد قرآنی برای بازگشت موسی ﷺ و یارانش به مصر، به ارث گذاشته شدن دارایی‌های مصریان برای بنی اسرائیل است که در چند جای قرآن مطرح می‌شود. دو آیه «كَذَلِكَ وَأُورْثَنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (شعراء / ۵۹) و «كَذَلِكَ وَأُورْثَنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ»، (دخان / ۲۸) نشان می‌دهد که خداوند مصر را پس از فرعونیان برای بنی اسرائیل به ارث گذاشته است.  
آیه «وَأُورْثَنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...»، (اعراف / ۱۳۷) بلاfacله بعد از غرق کردن فرعونیان مطرح می‌شود که شاهدی بر بازگشت بنی اسرائیل به مصر است. سرزمین مبارک باید بیتالمقدس باشد به این دلیل که در چهار مورد از آیات قرآن که تعبیر «بارکنا» به کار رفته، سه مورد به منطقه بیتالمقدس اشاره دارد (اسراء / ۱؛ انبیاء / ۷۱ و ۸۱) و یک مورد به منطقه سباء در یمن. (سبأ / ۱۸) از آنجایی که این داستان هیچ ارتباطی به یمن ندارد، مراد از سرزمین

مذکور در این آیه منطقه بیتالمقدس است. با توجه به این مطلب، پس از نابودی فرعونیان منطقه غرب کنعان؛ یعنی مصر به دست بنی اسرائیل افتاد و منطقه شرق آن؛ یعنی شمال عربستان نیز در اختیار آنان بود به این دلیل که وقتی موسی ﷺ از دست فرعونیان فرار کرد و به مدین که در شمال عربستان است رسید و داستان خود را به شعیب ﷺ گفت، شعیب ﷺ پس از شنیدن داستان به او گفت که «... لَا تَخْفَ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، (قصص / ۲۵) یعنی نترس از منطقه حاکمیت فرعون خارج شدی. با توجه به مطالب بیان شده، منطقه شرق و غرب سرزمین مقدس در اختیار بنی اسرائیل قرار گرفت.

### شاهد دوم: استخلاف و جانشینی

حضرت موسی ﷺ به قوم خود توصیه می کند که: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، به ارث می گذارد». (اعراف / ۱۲۸) در آیه بعدی پس از شکایت بنی اسرائیل از آزار و اذیتی که از جانب فرعونیان به آنان می رسد، بیان می کند که: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین (آنان) سازد و بنگرد چگونه عمل می کنید» کشتن دشمنان و استخلاف و جانشینی در همان زمین، غیر از مصر جایی دیگر را به ذهن متبار نمی کند و بازگشت به مصر و به دست گرفتن حاکمیت آن از این آیه استفاده می شود.

شاهد سوم: ترس فرعون و هامان از برتری بنی اسرائیل و قصد نابودی آنان و بر عکس شدن آن شاهد دیگر بر اینکه بنی اسرائیل پس از غرق شدن فرعونیان به مصر بازگشتند، آیات «فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفْزِهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لَيْسِ إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جَئْنَا يُكْمَ لَفِيفًا»، (اسراء / ۱۰۴ - ۱۰۳) است که به صراحت بیان می کنند که فرعون قصد کرد که بنی اسرائیل را از زمین مصر برکند ولی ما فرعونیان را غرق کردیم و بعد از غرق شدن فرعون به بنی اسرائیل گفتیم که در زمین مصر ساکن شوند. نکته نخست اینکه آیه ۱۰۱ با اشاره به نه معجزه موسی ﷺ شروع می شود و دیگر اینکه واژه «الارض» که در این دو آیه است باید به یک مکان اشاره کند نه اینکه مراد از اولی مصر و از دومی شام باشد که مفسران بر این دیدگاه هستند. نکته پایانی درباره «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جَئْنَا يُكْمَ لَفِيفًا» است که معنای تحتاللفظی آن این است که «هرگاه وعده پایانی فرا رسید ما همگی شما را می آوریم» که مفسران «وعده الآخرة» را به قیامت تفسیر کرده اند که هیچ تناسبی با آیات پیشین و پسین ندارد. می توان با توجه به رسالت الهی موسی ﷺ که بازگرداندن بنی اسرائیل به بیتالمقدس است، وعدالآخره را به وعده بازگشت به سرزمین مقدس تفسیر

کرد که تمام شما [بنی اسرائیل] را [به کنعان] آوردیم؛ یعنی موسی<sup>علیه السلام</sup> و یارانش با رفتن به سمت دریا و گذر از آن، فرعونیان را غرق کرده و به مصر بازگشتهند و پس از سازماندهی آنان در وقت مقرر تمام آنان را به بیت المقدس بردند. از تأمل در آیات فوق چنین برداشت می‌شود که فرعونیان قصد داشتند که موسی<sup>علیه السلام</sup> و یارانش را هلاک کنند ولی با تدبیر الهی این امر بر عکس شد و فرعونیان هلاک شده و بنی اسرائیل جای آنان را گرفتند.

آیات دیگر در این مورد، آیات ۳ تا ۶ سوره قصص است که افزون بر مسئله وارث شدن بنی اسرائیل «وَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» به مسئله ترس فرعونیان از اینکه بنی اسرائیل مصر را تصرف کنند، اشاره می‌کند و اینکه خدا بنی اسرائیل را حاکمیت داد و به فرعونیان آن چیزی را که از آن ترس داشتند، نشان داد که همان تصرف حاکمیتی مصر است «وَتَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتَرَى فَرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْدُرُونَ». (قصص / ۶) در سوره طه به این مطلب اشاره شده است که فرعون به مردم مصر بیان می‌کرد که موسی و هارون<sup>علیهم السلام</sup> قصد دارند شما را از زمین خود (مصر) اخراج کنند و روش نمونه شما را از بین ببرند. (طه / ۶۳) در این سوره نیز با اشاره به اینکه فرعون بنی اسرائیل را به استضعف کشانده بود و می‌ترسید که آنان حاکمیت مصر را در اختیار بگیرند، ولی با اراده الهی آنان حاکم مصر شده و کار بر عکس شد. نکته قابل تأمل در این آیات این است که واژه «الارض» در سه آیه اشاره به یکجا دارد و آن مصر است؛ (حسن زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۶) یعنی حکومت مصر به دست بنی اسرائیل افتاد که براساس آن باید بعد از عبور از دریا، آنان به مصر بازگشته باشند.

**شاهد چهارم:** اسکان بنی اسرائیل در مکانی خوب و پرنعمت پس از عبور از دریا پس از اینکه در سوره یونس داستان موسی<sup>علیه السلام</sup> و فرعون بیان می‌شود و در پایان به غرق شدن فرعون اشاره می‌شود، در آیه ۹۳ بیان می‌شود که «وَلَقَدْ بَوَأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبْوَأً صِدْقٍ وَرَزْقًا هُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ...» یعنی «به تحقیق ما بنی اسرائیل را در جایگاه صدق (و راستی) منزل دادیم؛ و از روزی‌های پاکیزه به آنان عطا کردیم ...» در مورد تعبیر «مُبْوَأً صِدْقٍ» بیان شده که مقصود از آن می‌تواند سرزمین مصر باشد. به این دلیل که طبق بیان مشهور، بنی اسرائیل به سمت فلسطین رفته و از ورود به آن و جنگ برای ورود به آن خودداری کرند و چهل سال سرگردان شدند و اینکه این تعبیر بلا فاصله بعد از غرق شدن فرعون آمده است، باید بعد از آن یک اسکان خوب و رزق و روزی خوب برای آنان ترسیم شود. بنابراین یک احتمال قوی این است که بنی اسرائیل به مصر بازگشته باشند و در آنجا مسکن گزیده باشند.

### شاهد پنجم: نجات بدن فرعون

اینکه قرآن در آیه ۹۲ سوره یونس می‌فرماید: «فَالْيُومَ تُنْجِيَكَ يَبْدَئِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آئِيَةً...» باید دید که پس از روی آب آمدن بدن فرعون، که این خود یک معجزه است که چطور شخصی که زره داشته و باید سنگین باشد ولی روی آب آمد، چه کسانی آن را به مصر آوردند تا آن به تعبیر قرآن برای آیندگان نشانه باقی بماند؟ به تعبیر قرآن فرعونیان که همگی غرق شدند (زخرف / ۵۵) و کسی از آنان باقی نماند تا بدن فرعون را به مصر بازگرداند. بنابراین تنها فرض این است که بنی‌اسرائیل بدن او را گرفته و مومیایی کرده و آن را به مصر بازگرداند تا مصریانی که تصور می‌کردند او پروردگار بزرگ آنان است از این تصور اشتباہ دست بکشند و نیز بنی‌اسرائیل‌ها بیکه از ترس فرعون به موسی<sup>علیه السلام</sup> اعتماد نکرده بودند، با موسی<sup>علیه السلام</sup> همراه شوند. البته احتمال دیگری نیز مطرح است و آن اینکه مصریانی برای تحقیق آمده باشند و جنازه فرعون را با خود برده باشند ولی این احتمال ضعیف بهنظر می‌رسد به این دلیل که فاصله کم نبوده است و تا خبر به مصریان برسد و آنان برسند حداقل ۱۰ روز طول می‌کشید و دیگر اینکه تعبیر «تنجیک» نشان از این دارد که خدا به‌وسیله اعوان خودش، یعنی فرشتگان و پیامبرش چنین کاری کرده است. به این دلیل که وقتی خدا در تعبیر قرآنی از صیغه متکلم مع الغیر استفاده می‌کند، می‌تواند چنین چیزی را در نظر داشته باشد.

در تفسیر قمی نیز ذیل این آیه آمده است که حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> به بنی‌اسرائیل خبر داد که خدا فرعون را غرق کرده است، ولی آنان باور نکردند؛ خدا به دریا دستور داد تا فرعون را به ساحل بیاورد تا او را مرده ببینند. (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۱۶) بنابراین روشن می‌شود که بدن فرعون به طرف ساحلی آمده است که بنی‌اسرائیل حضور داشتند.

### شاهد ششم: القریه در داستان باب حطه

در کتاب **باب حطه در قرآن و روایات**، نویسنده پس از نقل نظرهای مختلف در باب مکان قریه‌ای که قرآن به بنی‌اسرائیل ورود و سکونت در آن را دستور می‌دهد و در آیات ۵۸ بقره و ۱۶۱ اعراف در قرآن مطرح شده است، نظریه مختار را مصر معرفی می‌کند و دیدگاه مشهور که بیتالمقدس و اریحا و مکان‌های دیگر است را رد می‌کند. نویسنده شواهدی را مطرح می‌کند که اینجا به مهم‌ترین شاهد آن اشاره می‌شود و آن اینکه در جریان باب حطه هیچ جنگی در میان نبوده است. در صورتی که در مورد بیتالمقدس و اریحا و سایر شهرهای سرزمین مقدس بحث جنگ در تورات و قرآن مطرح است. (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۴ - ۲۱۰)

### شاهد هفتم: کم بودن یاران حضرت موسی ﷺ

از آیات قرآن به دست آمد که همراهان موسی ﷺ از بنی اسرائیل در عبور از دریا کم بودند. با توجه به رسالت موسی ﷺ که نجات بنی اسرائیل و آوردن آنان به بیت المقدس بوده است، بنابراین باید موسی ﷺ به مصر بازمی‌گشت تا تمام بنی اسرائیل را آماده رفتن به بیت المقدس کند که با «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جَئْنَا يُكْمَلُّ أَفْيَأُ» که بیان آن در شاهد سوم گذشت نیز سازگاری دارد؛ یعنی وعده نهایی که بازگرداندن تمام بنی اسرائیل به کنون بود، رخ خواهد داد.

### شاهد هشتم: سکونت اصحاب سبت کنار دریا

در داستان اصحاب سبت که به بنی اسرائیل زمان موسی ﷺ مرتبط است به این دلیل که در میان داستان‌هایی واقع شده است که به یقین در این مقطع تاریخی بوده است و آیات آن بعد از دخول و سکونت در قریه مطرح می‌شود، دو نکته قابل تأمل است یکی واژه «القریه» و دیگری «حاضرة البحر» یعنی کنار دریا بودن آن است. (اعراف / ۱۶۳) افرون بر این، با تأمل در آیات ۱۵۳ و ۱۵۴ سوره نساء به یقین می‌رسیم که داستان اصحاب سبت در زمان موسی ﷺ بوده است؛ زیرا تمام مواردی که مطرح می‌شود از جمله درخواست از موسی ﷺ برای دیدن خدا به صورت آشکار، گوسلله‌پرستی، بالابدن کوه بر سر بنی اسرائیل، دستور به داخل شدن به قریه به حالت سجده و اینکه احکام روز شنبه را نگاه دارند، به موسی ﷺ مرتبط می‌شود. با توجه به ظهور آیات مربوط به داستان موسی ﷺ احکام روز شنبه نیز به یقین پس از عبور از دریا و غرق شدن فرعونیان با نزول الواح به موسی ﷺ نازل شده است یعنی پیش از آن، در زمانی که در مصر بودند، احکام و شریعت موسی ﷺ هنوز نازل نشده بود. به این مطلب در فصول ۱۹ و ۲۰ سفر خروج عهد عتیق نیز تصویر شده است. در میان اندیشمندان مسلمان نیز در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد. افرون بر این، در تأیید این برداشت روایت نیز وجود دارد به این مضمون که حضرت موسی ﷺ به بنی اسرائیل می‌گفت که هنگامی که خدا برای شما گشایش ایجاد کند و دشمنان را هلاک کند، کتابی از طرف پروردگارستان برای شما می‌آورم که مشتمل بر اوامر و نواهی و مواعظ و عبرت‌ها و مثل‌ها باشد. (*التفسیر المنسوب الى الامام الحسن العسكري، ۱۴۰۹: ۲۴۸*)

اگر طبق دیدگاه مشهور پس از عبور از دریا بنی اسرائیل به سمت فلسطین رفته باشند و از ورود به آن سرزمین نیز تخلف کرده باشند و چهل سال در بیابان سرگردان شده باشند و در بیابان احکام و شریعت موسی ﷺ نازل شده باشد، این سکونت در شهری در کنار دریا امکان وقوع ندارد، به این

دلیل که موسی و هارون طبق دیدگاه مشهور در بیابان از دنیا رفتند و یوشع توانست بنی اسرائیل را وارد سرزمین مقدس کند و آنان را در آنجا ساکن کند. این آیات نشان می‌دهند که موسی بازگشت و یارانش بعد از دریافت الواح و شریعت و قضایای گوسلله‌پرستی به مصر بازگشتند و بنی اسرائیل در مصر در شهرهای مختلف ساکن شدند که یکی از آنها در کنار دریا بوده است.

### شاهد نهم: مواجهه حضرت موسی با قارون

شاهد دیگر دقت در مکان مواجهه موسی با قارون است که با این مسئله؛ یعنی بازگشت موسی و یارانش به مصر بیشتر سازگار است، به این دلیل که طبق دیدگاه مشهور، قارون از احکام و شریعت تخلف می‌کند (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۴۶ - ۱۴۴) و با توجه به اینکه در شاهد هشتم بیان شد احکام و شریعت پس از عبور از دریا به بنی اسرائیل نازل شده است و در مدت سکونت در مصر الواح و شریعت هنوز نازل نشده بود، بنابراین در مصر پیش از غرق شدن فرعونیان چنین چیزی نباید رخداده باشد و پس از عبور از دریا نیز همان‌گونه که بیان شد طبق نظر مشهور ساکن شدن در جایی رخنداده است و با تخلف از ورود به سرزمین مقدس، سرگردانی در بیابان رخ داده است. بنابراین بازگشت به مصر و تلاش برای نهادینه کردن شریعت در آنجا و آمادگی برای ورود به سرزمین مقدس معقول بهنظر می‌رسد و مبارزه با قارون نیز در آنجا رخ داده است، به این دلیل که او دارای خانه و ثروتی است که کلیدهای آن را جوانان نیرومند نیز به سختی می‌کشیدند (قصص / ۷۶) و تصور اینکه این در صحراei سینا و در زمان سرگردانی بوده باشد خیلی بعید بهنظر می‌رسد.

با توجه به شواهد بیان شده و با ملاحظه آیات ۵۰ تا ۶۶ سوره بقره و ۱۴۲ تا ۱۷۱ سوره اعراف، ترتیب حوادث در داستان موسی بعد از غرق شدن فرعونیان، اینگونه بهنظر می‌رسد که موسی با جانشین قرار دادن هارون به میقات می‌رود و الواح و شریعت را دریافت می‌کند و داستان گوسلله‌پرستی در این مقطع رخ می‌دهد و بعد از اینکه از این حوادث عبور می‌کنند، بنی اسرائیل به سمت مصر بازمی‌گردند که در آیه ۵۸ سوره بقره با تعبیر داخل شدن «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ ...» و در آیه ۱۶۱ سوره اعراف با تعبیر سکونت در آن «وَإِذْ قَيْلَ لَهُمْ اسْكُنُنَا هَذِهِ الْقَرْيَةَ ...» به آن اشاره شده است.

### نتیجه

با توجه به شواهد متقن قرآنی که بیان شد، موسی پس از عبور از دریا و دریافت شریعت به

همراه یاران خود به مصر بازگشت و همت خود را بر تربیت دینی بنی اسرائیل متمرکز کرد. شواهد قرآنی این مطلب، در ذیل این عناوین بحث شدند: وارث شدن بنی اسرائیل نسبت به اموال فرعونیان مصر، استخلاف و جانشینی بنی اسرائیل، ترس فرعون و هامان از برتری بنی اسرائیل و قصد نابودی آنان و بر عکس شدن آن، اسکان بنی اسرائیل در مکانی خوب و پر نعمت پس از عبور از دریا، نجات بدن فرعون، القریه در داستان باب حطّه، کم بودن یاران موسی، سکونت اصحاب سبت کنار دریا و مواجهه موسی با قارون که نشان دهنده این مطلب هستند که بنی اسرائیل برای محقق شدن ارثی که قرآن بیان می کند یا جانشینی آنان به جای فرعونیان و مواردی از این دست، باید به مصر بازمی گشته باشد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، انتشارات ایلام.
- ابن جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت، شرکة دار الارقم.
- ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، *تفسیر العز بن عبد السلام*، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز*، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، ۱۹۸۳م، *ارشاد العقل السليم الی مزایا القرآن الكريم*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- اپستین، ایزیدور، ۱۳۸۵، *یهودیت برسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الكتب العلمية.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *تفسیر البغوي*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أبووار التنزيل وأسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام*، ۱۴۰۹ق، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *تفسیر تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، ج ۳۰، تحقیق حیدرعلی ایوبی و ولی الله عیسی زاده، قم، اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *تفسیر تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، ج ۳۷، تحقیق محمد ریبع میرزایی و حسین شفیعی، قم، اسراء.
- حسن زاده کریم آباد، داود، ۱۳۹۵، *باب حطه در قرآن و روایات*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی فاطمی.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الكبير*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- روحی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، «بنی اسرائیل» در  *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- سیواسی، احمد بن محمود، ۱۴۲۷ق، *عيون التفاسیر*، بیروت، دار الصادر.
- طباطبایی امین، طاهره سادات و محمدعلی احمدیان، ۱۳۹۳، «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ش ۲۴، ص ۱۰۹ - ۱۳۶، تهران، دانشگاه الزهرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، *التفسیر الكبير؛ تفسیر القرآن العظیم*، اردن، دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *كتاب التفسير*، تهران، المطبعة العلمية.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسير القمی*، قم، دار الكتاب.
- کاشانی، فتح الله، بی‌تا، *منهج الصادقین فی إلزم المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵، *التحقيق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الكتاب الإسلامية، ج ۱۰.
- نسفی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۶ق، *مدارک التنزيل و حقائق التاویل*، بیروت، دار النفائس.